

## امیر خسرو معلم اخلاق

دکتر محمد امین عامر

ترجمه: خان محمد صادق جونپوری\*

اخلاق در زندگی فردی و اجتماعی ملت‌ها از اهمیت زیادی برخوردار است و عروج و زوال اقوام و ملل تا حدود زیادی به همین اخلاق مرتبط است. امیر خسرو دهلوی (۶۵۱ هـ / ۱۲۵۳-۷۲۵ هـ / ۱۳۲۵ م.) که عروج و زوال ملت‌ها را در نظر داشت، با اشعار خود نه فقط در صف شعرای فارسی زبان از شهرت بسزایی برخوردار شد بلکه با تصوف و عرفان و اشعار اخلاقی خود راه راست و صراط مستقیم را به اقوام گمراه نشان داد و مسیر درست زندگی را به انسان‌ها عرضه کرد. انسانی که اشرف‌المخلوقات است امروز به خاطر بدکرداری و گمراهی در غار نکبت و ذلت افتاده است. خسرو در اشعار خود آنها را به پابندی به سجایای اخلاقی سفارش می‌کند:

شرم نداری که ترا حی پاک خوانده به معراج تو خفته به خاک<sup>۱</sup>

خسرو می‌گوید که اصل هدف خلقت عبادت است:

هرچه به دهر آدمی است و پری نیست مگر بهر پرستشگری<sup>۲</sup>

خسرو در اشعار خود با لطافت بیان می‌کند که انسانی که زندگی خود را در عبادت خداوند

به سر نمی‌برد و دچار غفلت است به ظاهر به شکل انسان است ولی در حقیقت دیو است:

◆ استاد بازنشسته دانشگاه مولانا آزاد، کلکته، بنگال غربی، هند.

\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه دهلی، دهلی.

۱. دهلوی، امیر خسرو، مثنوی مطلع‌الانوار، ص ۷۰.

۲. همان.

آدمی است آن که به غفلت گم است دیو دل است آن که به تن مردم است<sup>۱</sup>  
 خداوند به انسان فرستاده و به او هوش و خرد داده تا با مقصد حیات خود آشنا  
 شود و زندگی درستی داشته باشد:

کالبدی داد خدایت درست سستی جانت که گذاریش سست<sup>۲</sup>  
 امروزه اشرف مخلوقات پریشان و درمانده است. خسرو دلیل آن را چنین توضیح می‌دهد:  
 جهد و بال این چه پریشانی است ترک خدا این چه مسلمانی است<sup>۳</sup>  
 انسانی که اخلاق او نیکو باشد از دیگران اعلی و اشرف است:  
 هر که در آن سیرت نیکو بود آدمی از آدمیان او بود<sup>۴</sup>  
 انسانیت انسان به نیکی سیرت است :  
 نیکی مردم نه نیکو رویی است خوی نیکو مایه نیکویی است<sup>۵</sup>

امیر خسرو ۷۲ سال عمر کرد و در این مدت با زندگی در میان انسان‌ها، نفس و  
 روح آنها را به دقت مطالعه کرد. وی یک صوفی بود. خسرو معتقد است که عظمت و  
 وقار انسانی بر پایه ادب استوار است. انسان بی‌ادب نمی‌توان جایگاه بلند و رفیعی در  
 زندگی حاصل کند. خسرو این مطالب را در قالب شعر چنین بیان می‌کند:  
 بیخ بزرگی به ادب محکم است عیش حرام است چو حرمت کم است<sup>۶</sup>  
 خسرو توصیه می‌کند از دشمن خود با دشمنی انتقام نگیرید بلکه باید عفو و درگزر  
 را به کار برد:

آن که دهد زهر نباتش رسان وان که کشد آب حیاتش رسان<sup>۷</sup>  
 این درس اخلاقی نه فقط در اشعار خسرو موجود است بلکه در ادب فارسی از  
 این نمونه‌ها بسیار دیده می‌شود که اگر ما به آنها عمل کنیم یک جامعه صالح و سالم را

۱. مثنوی مطلع‌الانوار، ص ۷۱.

۲. همان، ص ۷۰.

۳. همان، ص ۷۷.

۴. همان، ۱۶۱.

۵. همان.

۶. همان، ص ۱۶۷.

۷. همان، ص ۱۶۸.

مشاهد خواهیم کرد.

خود غرضی یک صفت مذموم است و خسرو توصیه می‌کند که از خود غرضی باید دوری کرد:

هر که سلامی کندت یار نیست هر صدفی را در شهوار نیست<sup>۱</sup>  
 وفا یک صفت پسندیده است که همه باید به آن متصف باشند. امیر خسرو اهمیت آن را چنین واضح کرده است:

نیک دل آن شد که هوایی دروست وز طرفی بوی وفایی دروست  
 هر که حق صحبت یاران شناخت عمر هم اندر ره ایشان بباخت  
 ترک جفا کن که چون شیرین بود نام تو دیاچه تحسین بود  
 جان که ازو به به جهان یار نیست هیچ نیززد چو وفادار نیست  
 یار توان یافت به گیتی بسی لیک وفادار ندیدم کسی  
 صحبت او کن که به صدق و صفاست دامن او گیر که ز اهل وفاست<sup>۲</sup>  
 مال و ثروت بیش از اندازه و حرص و طمع انسان را به گمراهی و تباهی می‌کشاند. امیر خسرو در این باره می‌گوید:

جوان و پیر که در بند مال و فرزندند نه عاقلند که طفلان ناخرمدندند<sup>۳</sup>  
 امیر خسرو عقیده دارد مال و منال دنیا بازیچه اطفال است و نباید به آن دل بست:  
 بازیچه ایست طفل فریب این متاع دهر بی عقل مردمان که بدین مبتلا شدند  
 در جای دیگر می‌گوید:

به خانه‌ای که ره جان نمی‌توان بستن چه ابله‌ند کسانی که دل همی بندند  
 به طور خلاصه چنین می‌توان گفت که در این دنیای ماده‌پرست و خدابیزار، خسرو به عنوان یک معلم اخلاق به وسیله پیام‌های اخلاقی خود مردم را به راه راست فراخوانده است.

۱. مثنوی مطلع‌الانوار، ص ۱۰۹.

۲. همان، ص ۱۰۰-۱۱۴.

۳. امیر خسرو، دیوان کامل، تصحیح سعید نفیسی، ۱۳۶۱ شمسی، تهران، ص ۳۰۳.